

زید بن علی علیہ السلام

به روایت عمرو بن خالد در منابع امامی

چکیده: کتاب زید بن علی (ع) که نزد زیدیه به مسند زید پرآوازه شده است از منابع کهن شیعی و متعلق به سده دوم هجری برشمرده می‌شود. برجسته‌ترین و گاه تنها راوی این روایات از زید بن علی (ع)، ابو خالد واسطی عمرو بن خالد است. به نظر می‌رسد کتاب عمرو بن خالد در قرون ابتدایی و لاقلاً تا قرن سوم، رواج چندانی نداشته یا از اعتبار شایان توجهی برخوردار نبوده است. رجال شناسان نامی و نیز محدثان بزرگ امامی همگی از سده چهارم به بعد به وفور کتاب و روایات زید بن علی به روایت ابو خالد واسطی را طریق داده و یاد کردند. به زعم نویسنده ی نوشتار حاضر، برای دانستن چگونگی این تحول و راهیابی، بررسی روایات عمرو بن خالد در منابع نخستین و پسین امامیه بایسته است تا تاریخ گذاری روایات سیر این پدیده را نمایان کند. وی به این منظور، ابتدا شخصیت عمرو بن خالد را شناسایی و سپس طریق صدوق و نجاشی را نسبت به کتاب مذکور ارائه می‌نماید. در ادامه، طرق مؤلفان امامی را نسبت به کتاب بررسی و با طرح شخصیت عمرو بن خالد در منابع زیدی، مقاله خویش را به پایان می‌رساند.

کلیدواژه: کتاب زید بن علی، عمرو بن خالد واسطی، منابع امامی، تاریخ حدیث، رجال حدیث.

مقدمه

کتاب زید بن علی (ع) که نزد زیدیه به «مسند زید» پرآوازه شده است، از منابع کهن شیعی و متعلق به سده دوم هجری است. درباره‌ی درستی انتساب این کتاب به زید تردید است؛ با این همه به سبب قدمت و شخصیت مؤلف همواره مورد توجه و گاه استناد شیعیان امامی بوده است. برجسته‌ترین و گاه تنها راوی این روایات از زید بن علی، ابو خالد واسطی عمرو بن خالد است. به نظر می‌رسد این روایت از آثار زید بن علی (ع) در منابع حدیثی امامی رواج داشته و شناخته شده بوده است؛ اما مشخص نیست دقیقاً از چه دوره و سال‌هایی این روایات و کتاب به منابع امامی نفوذ کرده است. رجال شناسان نامی و نیز محدثان بزرگ امامی، همگی از سده چهارم به بعد به وفور

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث؛ هیات علمی دانشگاه رازی کرمانشاه.

کتاب و روایات زید بن علی به روایت ابو خالد واسطی را طریق داده و از آن یاد کردند. برای دانستن چگونگی این تحول و راهیابی بررسی روایات عمرو بن خالد در منابع نخستین و پسین امامیه، بایسته است تاریخ‌گذاری روایات، سیر این پدیده را نمایان کند.

شخصیت شناسی

ابو خالد عمرو بن خالد واسطی (دهه ۱۵۰ ق) مولای بنی هاشم و راوی احادیث زید بن علی است. نجاشی کتابش را «کبیر» وصف می‌کند. طوسی وی را از گروه بتری مذهبان زیدی می‌داند و کشتی وی را از عامه (اهل سنت) با محبت و میلی شدید به اهل بیت (ع) معرفی می‌کند. هیچ‌یک از رجال شناسان امامیه وصف رجالی (مدح یا ذم) درباره‌ی عمرو بن خالد ندارند؛ اما رجالیون اهل سنت وی را دروغ‌گویی که احادیث زیدیه را با اخباری ناشناخته و وانهاده روایت می‌کند، توصیف می‌کنند. عمرو به جعل نیز متهم شده است. از کویع نقل می‌شود که عمرو بن خالد هم‌جوار ما بود و حدیث وضع می‌کرد. وقتی به کارش آگاه شدند به واسط کوچ کرد؛ نیز نقل شده است او از او به فروشان کتاب‌هایی می‌خرید و از روی آنها حدیث می‌گفت.

طرق کتاب

تنها نجاشی و صدوق برای کتاب عمرو طریق مشخص ارائه کرده‌اند. طوسی در فهرست و رجال چندین بار از نام‌های مشابه این فرد یاد می‌کند؛ همانند «عمرو بن خالد أفرق حنّاط کوفی»، «عمرو بن خالد أسدی مولا هم أعشی کوفی»، «أبو خالد واسطی ابن عمرو بن خالد». به نظر می‌رسد فرد اول که گندم فروش (حنّاط) بوده و نجاشی نیز وی را توثیق کرده، با راوی مورد بحث متفاوت است. برای کتاب عمرو بن خالد اعشی نیز طوسی طریقی متفاوت و کوتاه شده با سه راوی ارائه می‌دهد و نمی‌توان به قطع به اختلاف یا اتحاد این دو حکم کرد؛ زیرا در برخی اسناد هر دو از یک راوی نقل می‌کنند و در برخی اسناد اعشی از ابو حمزه ثمالی و امام چهارم روایت دارد و واسطی تنها از امام باقری واسطه نقل کرده است.

شاید بتوان گفت همه‌ی منقولات عمرو بن خالد از ابو حمزه ثمالی. که در مواردی به ابو خالد واسطی هم مقید شده. روایات عمرو بن خالد اعشی است که گاهی از او با نام مردی از بنی اسد یاد شده است. این ادعا با توجه به طریق طوسی است که در آن راوی کتاب عمرو بن خالد «ابراهیم بن سلیمان» است و در اسناد همه روایات عمرو بن خالد از ابو حمزه ثمالی، فردی با این نام یا مشابه آن دیده می‌شود. چنین برمی‌آید که عمرو بن خالد اعشی متقدم‌تر از عمرو بن خالد واسطی است و هر دو به انقلاب و شورش علویان علاقه داشته‌اند.

طریق نجاشی و طریق صدوق

احتمالاً طوسی در ضبط نام فرد سوم اشتباه کرده که ابو خالد را پسر

عمرو نامیده است. با این تفصیل به نظر می‌رسد طوسی طریقی را به کتاب عمرو ارائه نکرده است.

به نظر می‌رسد صدوق در اساس بر این باور بوده که کتاب عمرو بن خالد به راستی متعلق به زید بن علی (ع) است و عمرو تنها نقش راوی را در این بین داشته است؛ زیرا در مشیخه خود، زید بن علی را صاحب کتاب معرفی می‌کند و به این کتاب زید با واسطه عمرو بن خالد طریق ارائه می‌دهد. طریق صدوق به خود کتاب عمرو نیز مشابه آن، تنها با تفاوت یک راوی است.

طریق نجاشی: نصر بن مزاحم منقری (۲۱۲ق) «مستقیم الطریقه و صالح الامر» وصف شده که تنها اشکالش نقل از افراد ضعیف است. علی بن حسن بن فضال فطحی و ثقه است. علی بن محمد بن زبیر قرشی کوفی (۲۵۴-۳۴۸ق) ناقل همه کتاب‌های ابن فضال است که رجالیون اهل سنت وی را توثیق کرده‌اند. به نظر می‌رسد ابن زبیر همانند ابن فضال از باورمندان امامیه نبوده است؛ زیرا از مشایخ اهل سنت و از زمره «آنان که از ائمه روایت نکردند» در بخش انتهایی رجال طوسی می‌آید. ابوالحسین محمد بن عثمان نصیبی (۴۰۶ق) ساکن محله کرخ بغداد و قاضی بوده است. او راوی بسیاری از کتاب‌ها برای نجاشی است؛ با این همه نجاشی برای ابن استادش هیچ شرح و ترجمه‌ای ندارد. نصیبی در منابع رجالی اهل سنت معرفی و گاه به کذب و جعل به نفع شیعه متهم شده است. در کتاب‌های زیدیه نیز در طرق اسناد قرار دارد؛ از این رو به نظر می‌رسد وی از شیعیان امامی نیست؛ پس می‌توان گفت کتاب عمرو بن خالد با اسناد و راویان امامی به نجاشی نرسیده است.

معمولاً واسطه‌ای بین محمد بن عثمان و علی بن محمد بن زبیر وجود دارد؛ از این رو به احتمال زیاد انتهای سند نجاشی افتادگی دارد.

طریق صدوق: در طریق به کتاب زید بن علی، حسین بن علوان کلبی (ح. ۲۱۰ق) اهل کوفه و از محدثان زیدیه است. نجاشی وی را عامی و برادرش حسن را موثق تراز او می‌داند. رجال شناسان اهل سنت وی را کذاب و جاعل معرفی می‌کنند؛ ابن عدی پس از ذکر شماری از احادیث منکر و متروک حسین که بیش از همه درباره خوراکی‌ها و فضایل علی (ع) است، بیشتر احادیث این راوی پُر حدیث را جعلی می‌داند. رجالیون زیدی، حسین بن علوان را از محدثان خود و استاد احمد بن عیسی بن زید بن علی (ع) معرفی می‌کنند. ابوالجوزاء منبه بن عبدالله را نجاشی «صحیح الحدیث» وصف کرده و علامه شوشتری پس از بررسی احادیثش، وی را غیر صحیح الحدیث معرفی می‌کند که بیشتر روایاتش موافق با اهل سنت و مخالف عقاید امامیه است. قضاوت شوشتری درست می‌نماید که ابوالجوزاء از زیدیه یا اهل سنت است؛ زیرا با آنکه رجالیون این دو گروه، وی را معرفی نکردند،

گاه احادیث وی را ذکر کرده‌اند. سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی (۳۰۱ق) بزرگ و محدث پُر تألیف امامیه بوده که توثیق شده و با این همه به روایت بسیاری از علمای اهل سنت مشهور است. وی هم عصر امام یازدهم زیسته و از ایشان روایتی ندارد. به احتمال زیاد سعد بن عبدالله به واسطه نقل فراوان از اهل سنت و به طور کلی غیر امامیه، کتاب عمرو بن خالد را همانند دیگر کتب زیدیه و اهل سنت،

به امامیه منتقل کرده است. به

نظر می‌رسد در انتهای طریق کتاب زید بن علی (ع) که نزد زیدیه صدوق نیز افتادگی وجود دارد؛ زیرا به «مسند زید» پرآوازه شده است، از منابع کهن شیعی است. درباره درستی انتساب این کتاب به زید تردید است؛ با این همه به سبب قدمت و شخصیت مؤلف ذکر کرده، همین افراد حضور دارند؛ جز آنکه به جای ابوالجوزاء از

هیثم بن ابی مسروق نه‌دی یاد شده

که نجاشی او را قریب الامر و اهل کوفه، و کشی هیثم و پدرش را فاضل معرفی می‌کند.

به نظر می‌رسد طبق طریق صدوق و نجاشی (به ویژه دومی) کتاب عمرو بن خالد توسط راویان غیر امامی به منابع امامیه راه پیدا کرده است. سعد بن عبدالله و محمد بن عثمان در این بین نقش واسطه‌ای داشته‌اند که منقولات و کتاب‌ها را از غیر امامیه به امامیه منتقل کرده‌اند.

طرق مؤلفان امامی

کلینی: وی تنها به شمار اندکی از احادیث عمرو بن خالد اشاره کرده است. اگر احادیث تکراری با طرق متفاوت را نیز به شمار آوریم، تعداد آنها هشت روایت است. کلینی احادیث عمرو بن خالد را از سه راوی اخذ کرده که از آن میان روایات حسین بن علوان (راوی عمرو در طرق صدوق) بیش از دیگر راویان است. در دو روایت راوی حسین بن علوان همانند طریق صدوق ابوالجوزاء است؛ هرچند پس از ابوالجوزاء سند با احمد بن محمد برقی و پدرش ادامه می‌یابد. دو روایت دیگر را حسین بن سعید اهوازی (ز. ۳۰۰ق) از حسین بن علوان نقل می‌کند که به نظر می‌رسد کلینی منتخبی از روایات حسین بن سعید را آورده است؛ زیرا حسین بن سعید در تنها کتابی که از وی باقی مانده، چهار روایت از حسین بن علوان از عمرو بن خالد گزارش می‌کند که هیچ کدام از روایات کلینی از حسین بن سعید نیستند.

صدوق: بیست حدیث از ۲۶ حدیث صدوق از احادیث عمرو بن خالد به روایت حسین بن علوان است. در بیشتر این روایات (یازده روایت) نیز ابوالجوزاء راوی حسین بن علوان است و تنها در سه مورد هیثم بن ابی مسروق راوی حسین است. از این یافته‌ها می‌توان چنین

طوسی: بین سه مؤلف، طوسی بیشترین تعداد روایات را از عمرو بن خالد گزارش کرده است. وی تنها در تهذیبین بیش از سی روایت آورده که در ۲۸ مورد آنها طریق صدوق به کتاب زید بن علی (روایت ابوالجوزاء از حسین بن علوان) است. تنها یک مورد روایت از نصر بن مزاحم و دقیقاً مطابق طریق نجاشی است؛ جز آنکه پسر نصر، بین ابن فضال و نصر قرار دارد که نشان می‌دهد احتمالاً طریق نجاشی به جز انتهای سند در میانه نیز افتادگی دارد. نکته قابل توجه آنکه طوسی در شش مورد دلالت احادیث عمرو بن خالد را نمی‌پذیرد و صدور آنها را به روال تقیه و موافقت با عامه می‌داند. در مواردی نیز توضیح می‌دهد رجال این اخبار از اهل سنت یا زیدیه است. افزون بر رد، گاه طوسی روایات عمرو را که شاذ یا مخالف با بقیه احادیث مشهور هستند، به تأویل برده یا مقید و مخصص به حالت خاص می‌داند و سعی بر جمع اخبار و رفع تعارض دارد. نکته تأمل برانگیز آنکه کلینی و صدوق به هیچ یک از این دست روایات عمرو بن خالد اشاره نکرده‌اند؛ شاید آنان روایات و کتاب عمرو را دیده و تنها برخی را که موافق باورهای امامیه بوده را گزینش و نقل کرده‌اند.

راویان پس از ابوالجوزاء معمولاً همگی از امامیه هستند و گویا اسناد طوسی به جز راویان ابتدایی بیشتر از منابع و استادان امامی نقل و اخذ شده‌اند.

طوسی به جز تهذیبین در امالی نیز به ده روایت عمرو بن خالد اشاره دارد که جز دو روایت همگی از افراد مختلف و معمولاً ناشناخته یا اهل سنتی هستند و طریقتشان تا طوسی نیز از همین راویان انباشته است. نکته جالب توجه آنکه در بیشتر این موارد ابوالفضل شیبانی اولین ناقل بعد از طوسی است و راویان بعد ابوالفضل تا عمرو بن خالد نیز از ناقلان اهل سنت یا ناشناخته هستند.

عمرو بن خالد در منابع زیدی

منابع زیدی برای روایات عمرو بن خالد اهمیت بسیاری قائل‌اند و چون وی را راوی مجموعه احادیث زید بن علی (ع) می‌دانند، در نقل و بسط آن کوشیده‌اند. آنها معمولاً با روایت نصر بن مزاحم، حسین بن علوان و یحیی بن مساور این اخبار را گزارش می‌کنند و بر خلاف امامیه و اهل سنت که در موارد بسیاری روایات را جرح و قدح کرده‌اند، بی قید و شرط، همه روایات عمرو را پذیرفته‌اند.

برخی روایاتی که منابع امامی از عمرو بن خالد گزارش کرده‌اند، در کتاب‌های اهل سنت و زیدیه نیز یافت می‌شوند؛ برای مثال کلینی و احمد حنبل روایات عدم ورود جبریل به خانه‌ای که در آن سگ و تصویر باشد را نقل کرده‌اند. روایاتی نیز در فضایل علی (ع) یا فضائل شهید بین منابع امامی و زیدی مشترک است.

نتیجه گرفت که طریقی که صدوق برای کتاب زید بن علی به روایت عمرو معرفی کرده، بیشتر از طریقی که برای خود کتاب عمرو ارائه داده، رایج و متداول بوده است که طرق کلینی نیز این نکته را تأیید می‌کنند. گفتنی است از مطالعه و مقایسه سندهای کتب صدوق به دست می‌آید که در طریق صدوق برای کتاب زید بن علی بین سعد بن عبدالله و ابوالجوزاء، دست کم یک راوی افتاده است؛ زیرا معمولاً احمد بن ابی عبدالله برقی بین این دو قرار دارد. حسین بن سعید اهوازی نیز راوی سه مورد از احادیث حسین بن علوان است. در بقیه احادیث راویان حسین، معمولاً یا از اهل سنت و یا افرادی ناشناخته هستند. این نشان می‌دهد در مواردی که منابع اخذ حدیث صدوق از کتاب عمرو بن خالد به طریق مشهور و متداولش نبوده، احادیث از منابع و افراد ناشناخته و غیرمعتبر اخذ شده‌اند. همین ادعا و رخداد درباره بقیه روایاتی که صدوق از عمرو بن خالد به غیر روایت حسین بن علوان نقل کرده پابرجاست؛ چنان‌که یا

طبق طریق صدوق و نجاشی (به‌ویژه دومی) کتاب عمرو بن خالد توسط راویان غیر امامی به منابع امامیه راه پیدا کرده است. سعد بن عبدالله و محمد بن عثمان در این بین نقش واسطه‌ای داشته‌اند که منقولات و کتاب‌ها را از غیر امامیه به امامیه منتقل کرده‌اند.

اسناد و اسامی آشفته و تحریف شده‌اند و یا به طور کامل (یعنی تا راوی قبل از صدوق) از ناقلان و مجالس زیدیه و گاه اهل سنت برخاسته و به تألیفات صدوق راه یافته‌اند. برای آشفته‌گی اسناد می‌توان به نقل محمد بن ذکوان از عمرو بن خالد اشاره کرد که در نام راوی عمرو، تصحیف رخ داده و او در اساس حسن بن ذکوان است که رجال شناسان اهل سنت به روایت وی از عمرو بن خالد از زید بن علی اشاره کرده‌اند. البته به نظر می‌رسد این آشفته‌گی برخاسته از منابع مغشوش و غیرمعتبر صدوق و نه اشتباه او یا ناسخان باشد؛ زیرا ضبط ناصحیح ابن ذکوان در برخی منابع دیگر همچون امالی طوسی و دلائل الامامه طبری وجود دارد که به تصحیف مشابه دیگر، عبید بن ذکوان، تغییر یافته است. برای سندهای کاملاً زیدی یا اهل سنتی نیز می‌توان به موارد بسیاری از احادیث امامی استشهاد کرد که معمولاً بیشتر با چنین طرقی نقل شده‌اند. برای اسناد اهل سنتی می‌توان از روایت صدوق از یحیی بن زید بن عباس بن ولید یاد کرد که بقیه راویان تا عمرو بن خالد، نزد همه فرق، ناشناخته و مجهول‌اند. یحیی بن زید در چند سند کتاب‌های زیدیه و اهل سنت با عنوان ابوذر یحیی بن زید بن عباس نجار معرفی شده است. در سند دیگر احمد بن محمد بن زینة قزوینی (۳۵۵ق) از استادان مجهولی است که در منابع اهل سنت معرفی می‌شود و بقیه راویان تا عمرو بن خالد ناشناخته یا از اهل سنت هستند. حتی طبق طریق نجاشی و با روایت نصر بن مزاحم که تنها در یک روایت صدوق آمده است، نیز همه راویان تا صدوق از اهل سنت هستند.

کتاب عمرو بن خالد را دیده و در اختیار داشته است و از این رونقلش از آن کامل تر است و برخلاف روایات حسکانی تنها پاره‌ای را در بر ندارد. با این فرض، پرسش اینجاست که صفار چرا بقیه روایات عمرو را ذکر نکرده است؟ به نظر می‌رسد با وجود آنکه موضوع کتاب و روایات عمرو با فصول و عناوین کتاب صفار همخوانی داشته است، اعتبار کتاب عمرو در این قرن و عصر چندان پذیرفته شده، مقبول و رایج نبوده است؛ چندانکه صفار با وجود در اختیار داشتن آن، از احادیث بیشتری یاد نکرده است.

مشابه این رخداد در منابع روایی اهل سنت نیز قابل مشاهده است. ابن معین (۲۳۳ق) به وجود کتاب عمرو بن خالد از زید بن علی که نزد زیدیه رواج داشته، آگاه بوده و آن را تکذیب کرده است. احمد حنبل (۲۴۱ق) نیز روایت عمرو از زید بن علی را گزارش کرده، سپس آن را رد می‌کند. در قرن سوم تعداد کمی از مؤلفان اهل سنت به روایات کتاب عمرو اشاره می‌کنند. عبدالرزاق صنعانی (۲۱۱ق)، ابن ابی شیبه (۲۳۵ق) و ابن ماجه (۲۷۳ق) از این گروه هستند که معمولاً تنها یک

روایت ذکر کرده‌اند. پس از این

کتاب عمرو بن خالد در قرون ابتدایی و دست کم تا قرن سوم رواج چندان نداشته یا از اعتبار شایان توجهی برخوردار نبوده است؛ زیرا کتاب‌هایی که از مؤلفان این سال‌ها باقی مانده، یا روایتی از عمرو گزارش نمی‌کنند یا فقط به یک تا دو مورد اشاره دارند.

سال‌ها، در قرن‌های چهارم و پنجم روایات بیشتری از عمرو بن خالد از زید بن علی در منابع اهل سنت یافت می‌شود. این نکات نشان می‌دهند که در منابع اهل سنت نیز کتاب در سده‌های نخستین از شهرت و اعتبار خوبی برخوردار نبوده است؛ گرچه در سده‌های

میانی این کتاب و روایاتش رواج بیشتری می‌یابد.

برای نمونه اشاره شد که طوسی اخبار تقیه‌ای یا ضعیف و غیر قابل استناد عمرو را در تهذیبین تبیین و معرفی کرده است؛ اهل سنت نیز در نقد روایات عمرو به طور مشابه عمل کردند. برای مثال خبر «... عن عمرو بن خالد عن زید بن علی عن أبیه عن جدّه عن علی بن أبی طالب رضی الله عنه قال انکسرت إحدى زندی فسألت النبی صلی الله علیه وسلم فقال امسح علی الجبائر...» یکی از روایاتی است که اهل سنت بارها ذکر و نقد کرده و دلالت و سند آن را مخدوش اعلام کرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های ظاهری روایات عمرو بن خالد تسلسل است. در روایتی با تکرار عبارت «عَدَّهْن فی یدی» بین همه راویان تا پیامبر، جبرئیل صلواتی را آموزش می‌دهد. در روایت دیگر عبارت «و هو أخذ بشعره» پیامپی بین راویان تکرار می‌شود تا به امام علی (ع) می‌رسد که از پیامبر در لعن کسی که مویی (شعره) از علی بیازارد، سخنی نقل می‌شود. این نوع سبک روایی بیشتر تزیینی و غیر واقعی می‌نماید.

این اشتراکات نشان می‌دهد محدثان هر سه گروه از یک کتاب و منبع واحد استفاده کرده‌اند و بنا به باورهای خود اخباری را که مخالف باورهایشان نبوده، گزینش و نقل کرده‌اند؛ چنان‌که امامیه اخباری از زید بن علی در تأیید امامت امام صادق (ع) و زیدیه اخباری از امام صادق و باقر (علیهما السلام) در تأیید فضایل زید بن علی نقل می‌کنند. برخی اخباری که با فقه امامیه همخوانی نداشته و عالمان امامی آنها را از باب تقیه دانسته‌اند، علمای زیدی آنها را ذکر کرده‌اند. از این اخبار می‌توان به «نهی رسول الله عن نکاح المتعة یوم خیبر» و «الرضعة الواحدة کالمائة» اشاره کرد که طوسی هر دو را بر وفق مذهب عامه و به سبب تقیه می‌داند و در عین حال احمد بن عیسی در املی خود آنها را ذکر کرده است.

تحلیل

به نظر می‌رسد کتاب عمرو بن خالد در قرون ابتدایی و دست کم تا قرن سوم رواج چندان نداشته یا از اعتبار شایان توجهی برخوردار نبوده است؛ زیرا کتاب‌هایی که از مؤلفان این سال‌ها باقی مانده، یا روایتی از عمرو گزارش نمی‌کنند یا فقط به یک تا دو مورد اشاره دارند. نکته تأمل برانگیز آنکه همه این نویسندگان راوی کتاب عمرو محسوب می‌شوند و یا معمولاً در طرق اخبار منتهی به عمرو بن خالد حضور دارند.

نصر بن مزاحم منقری (۲۱۲ق) که راوی طریق نجاشی است، در وقعة صفین تنها یک روایت از عمرو از زید بن علی از پدرانش نقل می‌کند. احمد برقی (۲۷۴ق) که از او و پدرش در بیشتر اسناد پس از ابوالجوزاء نام برده می‌شود، در المحاسن هیچ روایتی از عمرو بن خالد گزارش نمی‌کند. نام محمد بن حسن صفار (۲۹۰ق) نیز در تعداد اندکی از روایات عمرو بن خالد یافت می‌شود و با این همه در بصائر الدرجات تنها یک روایت از عمرو از زید بن علی ذکر می‌شود. صفار این روایت را با طریقی خاص و متفاوت از مؤلفان قرن چهارم و پنجم، گزارش می‌کند.

در طریق صفار یونس بن یعقوب راوی عمرو بن خالد است. او از موالی امام صادق (ع) بوده که در روزگار امام رضا (۲۰۴ق) درگذشته است. یونس فطحی بوده که گفته شده از عقیده خود بازگشته و افزون بر آن وی نوه عمار بن ابی معاویه است که از محدثان اهل سنت بوده است؛ از این رو احتمالاً یونس کتاب یا برخی روایات عمرو را از مجالس و مجامع غیر امامی و احتمالاً بیشتر از راویان اهل سنتی که به شیعه تمایل داشتند، برگرفته است.

حدیثی که صفار در کتابش می‌آورد، حسکانی (۴۷۰ق) نیز با دو نقل متفاوت گزارش می‌کند؛ با این تفاوت که در نقل صفار، افزوده قابل توجهی وجود دارد که در پی آن زید بن علی با برخی از معتزله و عالمان هم عصرش بحث کرده است. از این اطلاعات بر می‌آید احتمالاً صفار

تمامی احادیث عمرو که در منابع اهل سنت و زیدیه از زید بن علی نقل می‌شود، با واسطه «زید بن علی عن آبائه» به پیامبر یا امام علی می‌رسد. در منابع امامی نیز معمولاً به همین شکل به قائل معصوم منجر می‌شود؛ مگر در مواردی که عمرو از روایان دیگر مثل ابوالجارود، عاصم بن ابی‌النجود، سعد بن طریف، ابوهاشم رمانی و... نقل روایت کرده است و به نظر می‌رسد عمرو در این موارد که تعداد بسیار کمی هم هستند، تنها نقش راوی بین روایان دیگر و نه راوی از معصوم را داشته است.

در مواردی هم که عمرو نقش راوی و نه ناقل از معصوم (یا زید بن علی) را دارد، احادیثش را حسین بن علوان و دیگر ناقلان کتابش روایت می‌کنند. از این نکته می‌توان چنین برداشت کرد که کتاب عمرو تنها مشتمل بر احادیث زید بن علی نبوده است و آن‌گونه که زیدیه ادعا می‌کنند عمرو بن خالد راوی مجموعه احادیث زید نیست، بلکه وی کتاب و نگاهشته‌ای از احادیث داشته که در آنها از منقولات پیامبر، صحابه، امام حسن، امام سجاد، امام باقر و زید بن علی گرد آورده و تنها از دو قائل آخری بی‌واسطه نقل کرده است. شاید چون زیدیه در حفظ و نقل احادیث عمرو از زید بیشتر کوشیده‌اند، این احادیث بسط و گسترش یافته و بیشتر از دیگر روایات عمرو در کتاب‌ها ثبت و نگاهشته شده است. این فرض را هم نمی‌توان نادیده گرفت که شاید عمرو بن خالد چندین کتاب داشته که راوی همه آنها یک نفر است؛ اما این فرضیه قرینه یا شهادی ندارد.

به نظر می‌رسد عمرو بن خالد به سبب علاقه و محبت به خاندان پیامبر با امامان شیعی رفت و آمد و اخذ حدیث داشته و با این همه به اعتقادات زیدیه باورمند بوده است؛ از این رو برای سازش و توافق بین هر دو مکتب کوشیده و در تأیید هر دو مکتب روایاتی نقل کرده است. او از کسانی است که موافقت امام صادق برای قیام زید را گزارش کرده است. تلاش‌های عمرو بن خالد در مجموعه‌ای که از زید بن علی نقل کرده و به روایان بعدی رسانده، بازتابیده است. با این همه نمی‌توان با قطعیت در صحت و درستی آنها اطمینان داشت؛ زیرا عمرو بن خالد را به جعل و کذب متهم کرده‌اند. از سوی دیگر ملاقات عمرو و اخذ روایت از زید بن علی در جایی ثبت و گزارش نشده است؛ به خصوص که تعداد روایات نقل شده زیاد و قابل توجه است و زمان و مکان وسیعی برای سماع می‌طلبید.

احتمالاً در نگاهی خوش‌بینانه تنها می‌توان گفت روایاتی از عمرو بن خالد معتبرند که روایت شاهد یا مؤید دارند.